

مطالعه تطبیقی اخذی هسته‌ای در مقررات کیفری ایران و انگلستان و ویلز

سید مصطفی مشکات*

چکیده

کشف انرژی هسته‌ای و تمرکز بر استفاده از مزایای متنوع آن باعث نمی‌شود تا از قدرت این سنخ از انرژی در جهت تکوین و پیشبرد اعمال ناقض ایمنی و امنیت جامعه غفلت به عمل آورد. در شمار اعمال موصوف، اخذی هسته‌ای قرار دارد که در اثنای آن مطالبات غیرقانونی اشخاص با تهدید به استفاده از قدرت تخریب‌گر هسته‌ای، موضوعیت پیدا می‌کند. در این خصوص، سامانه کیفری انگلستان و ویلز یکی از معدود نظام‌های قانونگذاری دنیا قلمداد می‌شود که نسبت به ارتکاب اخذی هسته‌ای واکنش افتراقی نشان داده و آن را از ذیل عنوان کلی بزه اخذی خارج کرده است. بر این اساس، ابعاد تروریستی و غیر تروریستی ناظر بر اعمال یادشده به صورت جداگانه جرم‌انگاری شده است. در نقطه مقابل، کنشگران قانون‌گذاری ایران با غفلت از سیمای هسته‌ای کشور، سیاست کیفری متناسب و فناورمدارانه‌ای را در مواجهه با رفتار پیش‌گفته اتخاذ نکرده‌اند. با این اوصاف، پرسشی که در این‌جا مطرح می‌شود آن است که راهبرد کیفری مقتدر در قبال اخذی هسته‌ای از چه مؤلفه‌هایی برخوردار است؟ در مقام پاسخ به عنوان فرضیه گفتنی است، شناسایی مستقل ابعاد تروریستی و غیرتروریستی اخذی هسته‌ای به صورت توأمان و تعیین ضمانت‌اجراهای کیفری متناسب و شناور، اجزای راهبرد کیفری مقتدر را در مواجهه با چنین جرایمی تشکیل می‌دهند. با این همه، طی جستار حاضر تلاش بر آن است تا با اتکاء به روش مطالعه توصیفی و تحلیلی، همگام با ارزیابی مقررات کیفری ایران و انگلستان و ویلز در قبال اخذی هسته‌ای به ترسیم مختصات راهبرد کیفری سنجیده در مواجهه با رفتار یادشده نیز مبادرت شود.

واژگان کلیدی: انرژی هسته‌ای، امنیت عمومی، اخذی هسته‌ای، اخذ به زور و عنف، تهدید هسته‌ای.

مقدمه

همگام با کشف و توسعه بهره‌برداری از فناوری‌های نوین در جامعه بشری، آشکال تازه‌ای از رفتارهای بزهکارانه نیز پدید آمده‌اند. در این زمینه، با کشف انرژی هسته‌ای در آغاز سده بیستم میلادی، ارتکاب اعمال ناقص ایمنی^۱ و امنیت هسته‌ای^۲ نیز در لوای یکی از نگرانی‌های مهم مدنظر جامعه جهانی قرار گرفت. یکی از این اعمال، اخاذی هسته‌ای^۳ است که در مسیر سوءاستفاده از فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای شکل گرفته است. اخاذی هسته‌ای مصداقی از رفتار کلی اخاذی به شمار می‌آید که در آن مطالبات غیرقانونی اشخاص با توسل به قدرت تخریب‌گر انرژی هسته‌ای مطرح می‌شود. با این حال، پرسشی که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا اخاذی هسته‌ای به عنوان یکی از تابعان رفتار کلی اخاذی، نیازمند برخورد افتراقی و تخصصی از سوی دستگاه عدالت کیفری است یا خیر؟ در مقام پاسخ گفتنی است، موضوع و بستر ارتکاب رفتار اخاذی هسته‌ای به صورتی است که نمی‌توان بدون اتخاذ یک رویکرد فناورمدارانه، بازدارندگی^۴ از آن را به شکل مطلوب در دستور کار قرار داد. در واقع، پیامدهای ناظر بر سوءاستفاده از قدرت انرژی هسته‌ای چنان است که نه تنها موجب برهم زدن صلح و امنیت جامعه می‌شود بلکه امکان بروز آلودگی‌های زیست‌محیطی در مقیاس وسیع نیز متصور است.

ایران در لوای یکی از کشورهای بهره‌بردار از فناوری هسته‌ای هنوز رویکرد متناسب و بازدارنده‌ای را نسبت به اخاذی هسته‌ای اتخاذ نکرده است. در این خصوص، با بررسی و تدقیقی که در مقررات موضوعه صورت پذیرفت مشخص شد که به استثنای جرائم مرتبط با اخاذی و تهدید که در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ پیش‌بینی شده‌اند، امکان هم‌پوشانی اعمال اخاذی هسته‌ای با سایر عناوین مجرمانه وجود ندارد. در این میان، نحوه انشای مقررات یادشده به شکلی است که تناسبی با دامنه اعمال

1. Nuclear safety.
 2. Nuclear security.
 3. Nuclear blackmail.
 4. Deterrence.

اخاذی هسته‌ای و بستر ارتکاب آن ندارد؛ افزون بر آن، ضمانت اجرای کیفری موجود نیز به ترتیبی است که نمی‌تواند بازدارندگی مناسبی را در قبال اعمال اخاذی هسته‌ای به وجود آورد، زیرا مجازات یادشده در تناسب با درجه خطر اخاذی هسته‌ای وضع نشده‌اند.

در سوی مقابل، نظام کیفری انگلستان و ویلز برخلاف نظام کیفری ایران، راهبرد خاصی را در قبال رفتار اخاذی هسته‌ای اتخاذ کرده است. در این زمینه، وضع قانون (جرائم) مربوط به مواد هسته‌ای در سال ۱۹۸۳^۱ و به دنبال آن، به‌روزرسانی قانون مذکور به‌وسیله قانون عدالت کیفری و مهاجرت در سال ۲۰۰۸^۲ که در مسیر الگوبرداری از آموزه‌های کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد و تأسیسات هسته‌ای در سال ۲۰۰۵ صورت پذیرفته، نشان می‌دهد که کنشگران نظام قانون‌گذاری انگلستان و ویلز در مواجهه با اخاذی هسته‌ای رویکردی افتراقی و فناوری‌مدارانه برگزیده‌اند. افزون بر آن، احتساب مصداقی از اخاذی هسته‌ای به عنوان یک عمل تروریستی به موجب قانون تروریسم سال ۲۰۰۶^۳ به روشنی این پیام را منعکس می‌کند که ابعاد تروریستی و غیرتروریستی اخاذی هسته‌ای به صورت توأمان در کانون توجه قرار گرفته است.

با التفات به مطالب اخیر، مطالعه و کاوش راهبرد کیفری انگلستان و ویلز به عنوان یکی از نظام‌های تقنینی پیشرو در مواجهه با جرائم هسته‌ای^۴ از جمله اخاذی هسته‌ای مفید و ضروری جلوه می‌نماید. با این همه، پرسشی که در این جا پیش می‌آید آن است که راهبرد کیفری سنجیده در قبال اخاذی هسته‌ای از چه ابعادی برخوردار است؟ در پاسخ به عنوان فرضیه می‌توان گفت، شناسایی مستقل ابعاد تروریستی و غیرتروریستی اخاذی هسته‌ای به صورت توأمان و تعیین ضمانت‌اجرای کیفری متناسب و شناور در قبال آن‌ها مهم‌ترین اضلاع راهبرد مقابله با اخاذی هسته‌ای را تشکیل می‌دهد.

با این مراتب، طی جستار حاضر تلاش بر آن است تا در وهله اول به تعریف

1. Nuclear material (offences) act 1983.
 2. Criminal justice and immigration act 2008.
 3. Terrorism act 2006.
 4. Nuclear offences.

اخاذی هسته‌ای و دامنه موضوعی آن پرداخته و متعاقب بر آن به بررسی و واکاوی در خصوص این موضوع مبادرت شود که حکم اخاذی هسته‌ای در مقررات کیفری ایران و انگلستان و ویلز از چه قرار است. سرانجام با احصای آسیب‌ها و نارسایی‌های موجود در مقررات کیفری ایران، ابعاد سیاست کیفری مناسبی در قبال رفتار یادشده ترسیم و توصیه شود.

۱. تعریف اخاذی هسته‌ای

در فرهنگ لغات فارسی، اخاذی به معنای به زور و ستم از مردم چیزی ستاندن، رشوه و باج گرفتن از مردم، گرفتن مال یا جنسی به زور و تهدید از شخصی (معین، ۱۳۸۶: ۱۰۱) یا گرفتن پول، مال، سند و غیره از مردم با جبر و تهدید است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۹۵).

معادل اخاذی در فرهنگ لغات انگلیسی، blackmail است. با این وجود و جهت شناخت بهتر نسبت به مفهوم این رفتار و تمیز آن از مفاهیم مشابه لازم است تا در وهله اول، تمیز میان واژه مرقوم با (اخذ به زور و عنف) که معادل انگلیسی آن extortion است مورد توجه قرار گیرد. در بعضی موارد به خاطر قرابت معنایی واژگان پیش گفته، به اشتباه به جای یکدیگر به کار می‌روند. در حالی که در فرهنگ واژگان حقوقی لانگمن، رفتار اخذ به زور و عنف برابر با رفتاری انگاشته شده که طی آن شخصی با توسل به ارعاب یا حمله فیزیکی نسبت به فرد دیگری، به دنبال کسب منفعت است. در صورتی که اخاذی در جایی موضوعیت پیدا می‌کند که درخواست غیرقانونی برای کسب پول آن هم با تهدید صورت پذیرفته باشد (Curzon and Richards, 2007: 238).

در فرهنگ حقوقی آکسفورد، رفتار اخذ به زور و عنف برابر با رفتاری به حساب آمده که طی آن، مسئول دولتی از موقعیت شغلی خود جهت کسب پول یا منفعتی که متعلق به وی نیست، استفاده می‌کند. با این وجود، در جایی که منافع مرقوم با توسل به تهدید به دست آید، رفتار مزبور تحت عنوان اخاذی نام‌گذاری شده است (Ashworth and Horder, 2013: 194). بنابراین وجه اشتراک تعاریف مندرج در فرهنگ

حقوقی لانگمن و آکسفورد در ارتباط با رفتار اخاذی آن است که ایجاد درخواست غیرقانونی لزوماً باید با تهدید صورت پذیرد. در حالی که رفتار اخذ به زور و عنف دایره وسیع‌تری از اعمال را در برمی‌گیرد؛ به این صورت که هم سوءاستفاده از جایگاه شغلی و هم توسل به ارباب و حمله جهت کسب منفعت را ذیل عنوان خود جمع می‌کند.

برخی از نویسندگان (Emanuel, 2007: 97) در ارتباط با مفاهیم اخاذی و اخذ به زور و عنف مرقوم کرده‌اند که بین این دو رفتار، تفاوت قابل توجهی وجود ندارد. ایشان در مقام ذکر مثال اشعار داشته‌اند اگر فردی مالی را با توسل به تهدید به ایراد خسارتی در آینده^۱ به دست آورد مرتکب رفتار اخذ به زور و عنف و اخاذی شده است. ایشان همچنین اعلام داشته که رفتار مورد اشاره در برخی از ایالات امریکا به عنوان اخاذی و در بقیه ایالات در لوای اخذ به زور و عنف مدنظر قرار گرفته است. در سوی دیگر، تعدادی دیگر از نویسندگان (Elsenbroich and Badham, 2016: 8) بیان داشته‌اند که اخاذی از اخذ به زور و عنف متمایز است، زیرا سیل اخذ به زور و عنف از گستردگی بیشتری نسبت به اخاذی برخوردار است؛ بنابراین اعمال اخذ به زور و عنف می‌تواند یک اجتماع و یا حتی جامعه را درگیر خود سازد.

با این همه باید اذعان کرد که رفتار اخاذی و اخذ به زور و عنف در نظام کیفری انگلستان و ویلز دو عنوان مجرمانه مجزا از یکدیگر هستند. در این راستا گفته شده است، رفتار اخذ به زور و عنف نسبت به اخاذی دامنه وسیع‌تری را در برمی‌گیرد و یک عنوان بزهکارانه قدیمی به حساب می‌آید در حالی که عنوان مجرمانه اخاذی با وضع قانون سرقت مصوب ۱۹۶۸ وارد سیاهه جرائم انگلستان و ویلز شد (Knafila, 2002: 81). البته این نکته را نیز باید توجه داشت که تمییز عناوین اخذ به زور و عنف با اخاذی به سادگی ممکن نیست (Brookman & et al, 2010: 601).

در ارتباط با معنای دومین واژه تشکیل‌دهنده اخاذی هسته‌ای نیز قابل ذکر است، واژه هسته‌ای که از «هسته» گرفته شده است برابر با قسمت مرکزی اتم تبیین شده است

1. Threat of future harm.

(عمید، ۱۳۸۹: ۱۰۶۵). همچنین حائز اهمیت است، معادل واژه هسته‌ای در فرهنگ لغات انگلیسی لانگمن، nuclear است که به مفهوم هسته اتم، هسته سلول و هسته اصلی است (فرهنگ انگلیسی لانگمن، ۱۳۹۰: ۲۷۸).

اکنون با التفات به مفاهیم بالا می‌توان در تعریف اخاذی هسته‌ای چنین گفت: «تهدید به استفاده از قدرت تخریبگر انرژی هسته‌ای در جهت تحصیل مال و یا اجرایی کردن سایر مطالبات تهدیدکننده». در ارتباط با تعریف پیش گفته نکات زیر حائز اهمیت جلوه می‌کند:

الف. موضوع تهدید دایر بر به‌کارگیری قدرت تخریب‌گر انرژی هسته‌ای است؛ در حقیقت و مطابق با آنچه در عرایض آقای البرادعی رئیس سابق آژانس انرژی اتمی^۱ مدنظر واقع شده است، اخاذی هسته‌ای از طریق ارباب هسته‌ای^۲ صورت می‌پذیرد (EIBaradei, 2003: 2).

ب. مرتکب غالباً با توسل به تهدید مطالبه‌ای غیرقانونی را طرح می‌کند که این درخواست می‌تواند جهت کسب منافع مالی و یا هر نوع مطالبه دیگری باشد که برای مرتکب دارای ارزش و اهمیت است.

از تعریف بالا فهمیده می‌شود که اخاذی هسته‌ای، جرمی وسیله‌محور است که در آن انرژی هسته‌ای، وسیله ارتکاب جرم به شمار می‌آید؛ منظور آن است که مرتکب اخاذی با توسل به قدرت تخریب‌گر هسته‌ای مبادرت به تهدید کرده و در این اثناء، تقاضایی نیز مطرح می‌کند.

با این وجود باید متذکر شد، گاهی اوقات جرم اخاذی هسته‌ای به عنوان رفتاری به شمار می‌آید که انرژی هسته‌ای، نقش موضوع جرم را در آن ایفاء می‌کند. مقصود آن است که مرتکب اخاذی هسته‌ای، تهدید و ارباب را به کار می‌بندد تا تقاضایی را مبنی بر تحصیل مواد و وسایل هسته‌ای مطرح سازد.

با توجه به مطالب اخیر، گفتنی است هر دو جنبه از اخاذی به شرح بالا یعنی چه انرژی هسته‌ای به عنوان وسیله ارتکاب جرم قرار گیرد و چه به عنوان موضوع جرم

1. International Atomic Energy Agency (IAEA).
2. Nuclear intimidation.

مطرح شود، در ذیل قلمروی اعمال اخاذی هسته‌ای جای می‌گیرد. با این مراتب، جهت آشنایی بیشتر با اعمال اخاذی هسته‌ای با گشایش در پیچ‌های از تاریخ، پیشینه ارتکاب اعمال یادشده معرفی و بررسی می‌شود.

۲. تاریخچه اخاذی هسته‌ای

از منظر تاریخی، اخاذی هسته‌ای مقارن با آغاز عصر اتم و کشف و دستیابی به قابلیت‌های انرژی هسته‌ای موضوعیت پیدا کرده است. کشف انرژی هسته‌ای برای اولین بار در سال ۱۹۳۴ و توسط فیزیکدان شهیر ایتالیایی، انریکو فرمی^۱ صورت پذیرفت. دانشمند مذکور در سال ۱۹۳۴ این موضوع را کشف کرد که چگونه می‌توان با بمباران نوترونی هسته‌های اتم، مقدار زیادی از انرژی و گرما تولید کرد. به این مناسبت، انجام تحقیقات بیشتر بر روی روش مذکور که موجب دسترسی به منبع انرژی را فراهم آورده و در لوای شکافت هسته‌ای مطمح نظر قرار می‌گرفت، از ناحیه دولت‌هایی انجام شد که خواهان استفاده از انرژی یادشده در امر ساخت تسلیحات نظامی بودند (Lusted, 2013: 17).

با این مراتب، اولین نمود تاریخی از اخاذی هسته‌ای توسط ایالات متحده آمریکا صورت پذیرفت. در این مسیر، کشور یادشده به منظور اجبار کره و چین به خاتمه جنگ، مبادرت به تهدید به استفاده از سلاح اتمی کرد. در آن برهه زمانی، جان فاستر دالس^۲ که وزیر امور خارجه وقت ایالات متحده به حساب می‌آمد غالباً نسبت به اتخاذ سیاست نابودی هسته‌ای جهت وادار شدن طرف مقابل به راه‌حل مذاکره در جنگ کره در ژوئیه ۱۹۵۳ با افتخار صحبت می‌کرد. به هر شکل، سرانجام این موضوع اثبات شد که تهدید به اقدامات تلافی‌جویانه گسترده می‌تواند زمینه اجبار طرف دیگر را به منظور قبول هر قسم مطالباتی فراهم آورد (Friedman, 1975: 75).

با این وجود، در مقطع اخیر با لحاظ توسعه استفاده از فناوری هسته‌ای در دنیا،

1. Enrico Fermi.

2. John Foster Dulles.

ارتکاب اخاذی هسته‌ای تنها در حصار دولت‌ها قرار نمی‌گیرد و افراد، نهادها و سازمان‌های تروریستی نیز به عنوان مرتکبان بالقوه آن مطرح می‌شوند. به همین روی، پاره‌ای از کنشگران نظام‌های قانون‌گذاری از جمله انگلستان و ویلز، اخاذی هسته‌ای را در لوای یک جرم مستقل که مرتکب آن می‌تواند هر شخصی (اعم از حقیقی و حقوقی) باشد به رسمیت شناختند.

۳. تعامل اخاذی هسته‌ای با جرائم مرتبط در مقررات کیفری ایران

با کاوش در مقررات موجود در نظام کیفری ایران مشاهده می‌شود که عنوان مستقلی برای اخاذی هسته‌ای اختصاص نیافته است. این موضوع زمانی از چالش بیشتری برخوردار می‌شود که متذکر شویم در ارتباط با اصل جرم اخاذی نیز تاکنون جرم‌انگاری افتراقی صورت نگرفته است.

با این وجود، هرچند قانون‌گذار اعمال موجود در ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ را به عنوان جرم اخاذی تصریح نکرده اما این ماده قانونی به لحاظ محتوایی چنان انشاء شده است که می‌تواند در مورد اعمال یادشده نیز به کار رود.

با توجه به مطالب اخیر، در ادامه به بررسی آسیب‌شناسانه مربوط به انطباق اعمال اخاذی هسته‌ای با جرائم مرتبط در نظام کیفری ایران مبادرت می‌شود.

۳-۱. تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان

یکی از جرائم مرتبط با اخاذی، ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ است. در این خصوص گفته شده است ماده یادشده تنها در صورتی اخاذی را شامل می‌شود که مرتکب افزون بر تهدید، تقاضایی را نیز مطرح کند (اعتمادی، ۱۳۹۶: ۱۸۱). وفق ماده یادشده: «هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او کند، اعم از این‌که به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را کرده یا نکرده باشد به

مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد». مطابق با ماده مذکور، صرف تهدید در حوزه‌های مذکور فارغ از آن‌که مرتکب در مقام مطالبه چه قضیه‌ای بوده است وی را مستوجب مجازات قرار می‌دهد. این موضوع که تهدید دایر بر چه رفتاری است دقیقاً مشخص نشده است. در این باره قانون‌گذار با ذکر عبارت «به هر نحو تهدید ... کند»، هر نوع رفتاری که دایر بر تهدید باشد و در قالب تهدید به قتل، ضررهای نفسی، شرفی، مالی و یا تهدید به افشای سر نسبت به مخاطب و یا بستگان او قرار بگیرد را به عنوان رکن مادی جرم منظور قلمداد کرده است. به دیگر سخن، از آنجا که قانون‌گذار عبارت «به هر نحو» را در ماده قانونی مورد بحث تصریح کرده است، تهدید کردن به هر صورت کفایت می‌کند اعم از آن‌که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۶: ۵۵۵). در واقع، تهدید می‌تواند به صورت کتبی، شفاهی و هر شکل دیگر صورت پذیرد (گرایلی و حکاک‌زاده یزدی، ۱۳۹۴: ۲۵). بنابراین با عنایت به گستره اعمال تهدید در ماده یادشده، تهدید هسته‌ای نیز می‌تواند در لوای یکی از مصداق‌های آن و به عنوان موضوع جرم ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ قرار گیرد.

افزون بر موارد مذکور باید التفات داشت که هرگاه تهدیدکننده هیچ تقاضایی نیز نداشته و به این منظور، درخواست انجام فعل یا ترک فعلی را نیز نکرده باشد، باز هم در ذیل شمول حکم موجود در ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ قرار می‌گیرد، زیرا جرم موضوع ماده یادشده مقید به حساب نمی‌آید (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۶: ۵۵۸).

در خصوص رکن روانی جرم مورد بحث نیز قابل ذکر است، صرف داشتن عمد در رفتار ارتكابی (رفتار تهدیدآمیز) به عنوان سوءنیت عام برای تحقق جرم موصوف کفایت کرده و در نتیجه نیازی به تحقق عمد در نتیجه به عنوان سوءنیت خاص از جانب مرتکب نیست. به عبارتی روشن‌تر، جرم موضوع ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ به عنوان یک جرم عمدی قلمداد می‌شود. در این رابطه، سوءنیت عام دایر بر عمد در تهدید کردن است و وجود سوءنیت خاص برای تحقق جرم مزبور منتفی است (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۴).

یکی از نارسایی‌های مهم در انطباق اعمال اخاذی هسته‌ای با ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ وجود دارد به وصف قربانی جرم منصرف می‌شود. در این خصوص گفته شده است منظور از قربانی جرم در ماده یادشده شخص حقیقی است، زیرا قانون‌گذار در ماده مورد بحث از واژگان «دیگری» و «خود یا بستگان» استفاده کرده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۶: ۵۵۸). این در صورتی است که قربانی جرائم اخاذی هسته‌ای، افراد عادی جامعه نبوده بلکه مراکز، نهادها و متخصصانی است که به واسطه حرفه‌ای که بدان اشتغال می‌ورزند به مواد و وسایل هسته‌ای دسترسی دارند؛ بنابراین چنان‌چه فردی مبادرت به اخاذی هسته‌ای از اشخاص حقوقی از جمله سازمان انرژی اتمی کند مشمول حکم این ماده قانونی قرار نمی‌گیرد.

به علاوه، مجازاتی که قانون‌گذار برای مرتکبان اعمال موجود در ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ مقرر کرده است نمی‌تواند در قبال اعمال اخاذی هسته‌ای بازدارندگی ایجاد کند. در واقع، با توجه به آن‌که موضوع اخاذی هسته‌ای یعنی تهدید هسته‌ای، امنیت جامعه را در مقیاس وسیع سیل قرار می‌دهد نیاز است تا وضع مجازات، درجه خطر ناشی از چنین تهدیدی نیز مدنظر قرار گیرد، زیرا در غیر این صورت نمی‌توان بازدارندگی مناسبی را در مواجهه با اعمال مذکور پدید آورد.

۲-۳. اخاذی به وسیله سلاح

یکی دیگر از جرائمی که باید نسبت به هم‌پوشانی آن با اعمال اخاذی هسته‌ای واکاوی صورت پذیرد، جرم اخاذی به وسیله سلاح است. در این خصوص، ماده ۶۱۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد: «هر کس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت‌نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

به این ترتیب، تهدید با سلاح از شمول ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ خارج و در نتیجه، مرتکب در چارچوب ماده ۶۱۷ قانون موصوف پیگرد و مؤاخذه می‌شود

(فروتن و محمدی، ۱۳۹۷: ۳۰). مطابق با ماده ۶۱۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، اخاذی به‌وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر به عنوان یک رفتار بزهکارانه مستقل شناخته شده است. در این مسیر باید نسبت به این موضوع اشراف پیدا کرد که عبارت «هر نوع اسلحه دیگر» ناظر بر سلاح اتمی نیز بوده و یا منصرف از آن است. در مقام پاسخ به این پرسش حائز اهمیت است، در وهله نخست و با توجه به قاعده تبادر، اولین مطلبی که از سلاح به ذهن خطور می‌کند همانا وسیله‌ای است که حالت انفجاری دارد و در نتیجه سلاح هسته‌ای نیز به عنوان تابعی از آن قرار می‌گیرد. افزون بر این مسئله گفتنی است که واژه «سلاح» به صورت مطلق ذکر شده است. از این رو، سلاح ناظر بر هر نوع اسلحه‌ای از جمله سلاح اتمی نیز می‌شود. با این حال، اگرچه در ماده ۶۱۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ سلاح تعریف نشده است ولی در تبصره ذیل ماده ۶۵۱ قانون یادشده، یکی از اقسام سلاح در لوای سلاح گرم از قبیل تفنگ و نارنجک انگاشته شده است. در این ارتباط و با عنایت به قدرت انفجاری که از سلاح هسته‌ای متصور است، این سلاح را باید در طبقه سلاح‌های گرم قرار داد؛ بنابراین و با لحاظ این موضوع که سلاح در ماده ۶۱۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ شامل وسایل انفجاری هسته‌ای^۱ نیز می‌شود، چنانچه شخص یا اشخاصی به‌وسیله چنین سلاحی مبادرت به اخاذی کند، مشمول حکم موجود در ماده یادشده می‌شود. وانگهی، جرم موضوع ماده ۶۱۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ در عداد جرایم مطلق است که در نتیجه، موفقیت فرد در اخاذی یا تهدید شرط لازم برای تحقق جرم نیست (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۵۹۶).

ضمانت اجرای کیفری که قانون‌گذار برای مرتکبان جرم موضوع ماده ۶۱۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ مقرر کرده است دایر بر سه نوع مجازات است؛ مجازات یادشده عبارت‌اند از محاربه، حبس (به میزان شش ماه تا دو سال) و سرانجام شلاق (تا ۷۴ ضربه). در ضمن، مجازات به صورت شناور مقرر نشده‌اند بنابراین قاضی مکلف است به یکی از کیفرهای حدی محاربه و یا حبس و شلاق در مورد مرتکب حکم دهد.

با این وجود، قانون‌گذار در ماده ۶۱۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ به طور عینی مشخص

1. Nuclear explosive devices.

نکرده است که در چه صورتی رفتار مرتکب عنوان محاربه به خود می‌گیرد. در این ارتباط، طبق مفهوم مخالف ماده یادشده این امکان وجود دارد تا ارتکاب رفتار مزبور مشمول مجازات حدی محاربه قرار گیرد. در این صورت، برای تعیین مجازات مرتکب، احاله به مجازات محارب^۱ صورت پذیرفته است.

با این اوصاف باید متذکر شد که اخاذی با وسایل انفجاری هسته‌ای نمی‌تواند موجب تحقق عنوان محاربه بر رفتار مرتکب شود، زیرا طبق ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی^۲، رفتاری مادی بزه محاربه دایر بر آن است که مرتکب سلاح را بر روی مردم بکشد. در این خصوص گفته شده است که صرف خرید، تهیه و یا آماده کردن سلاح کافی برای تحقق جرم موصوف نیست، بلکه مرتکب باید با قلدردی سلاح را بر روی دیگران بکشد و مردم نیز سلاح وی را مشاهده کنند و به دنبال این ملاحظه، دچار ترس و وحشت شوند (پوربافرانی، ۱۳۹۱: ۶۸). افزون بر آن، کشیدن سلاح بر روی مردم باید جنبه عمومی داشته باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۶: ۲۲۱).

با این وجود، در مقوله اخاذی هسته‌ای تهدید به استفاده از قدرت تخریب‌گر هسته‌ای از جمله وسایل انفجاری هسته‌ای مدنظر قرار دارد و نه به کارگیری آن از طریق کشیدن سلاح در جهت ترس و وحشت مردم. افزون بر آن، در حال حاضر تصور این موضوع نزدیک به محال است که وسایل انفجاری هسته‌ای به‌مثابه بقیه انواع سلاح‌ها از جمله تفنگ، چاقو و قمه به روی مردم کشیده شود تا از طریق ملاحظه چنین تصویری ارباب و وحشت در بین تابعان جامعه پدید آید. افزون بر آن، برای تحقق عنوان محاربه، کشیدن سلاح باید جنبه عمومی داشته باشد؛ این در صورتی است که چنین الزامی در خصوص اخاذی هسته‌ای وجود ندارد.

۱. در این ارتباط و بنا به ماده ۲۸۲ قانون مجازات اسلامی: حد محاربه یکی از چهار مجازات زیر است: الف. اعدام؛ ب.

صلب؛ پ. قطع دست راست و پای چپ؛ ت. نفی بلد.

۲. وفق ماده یادشده: «محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط شود. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی‌شود».

در پایان بررسی مواد ۶۶۹ و ۶۱۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ باید متذکر شد، با توجه به ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی^۱ و احتساب میزان و نوع کیفرهای مصرح در مواد پیش گفته، امکان شروع به جرم در آن‌ها منتفی است. این موضوع نیز به عنوان یکی دیگر از نارسایی‌های موجود در قبال یک سیاست کیفری مقتدر در مواجهه با اخذی هسته‌ای به شمار می‌آید.

۴. اخذی هسته‌ای در مقررات کیفری انگلستان و ویلز

پس از آشنایی با حکم اخذی هسته‌ای در مقررات کیفری ایران، حال نوبت آن فرا رسیده است تا مطالعه و تدقیقی مشابه این بار در مقررات کیفری انگلستان و ویلز صورت پذیرد.

قانون‌گذار انگلستان و ویلز، علاوه بر آن‌که به جرم اخذی در سیاهه جرائم تصریح کرده است (حاجی‌ده‌آبادی و اعتمادی، ۱۳۹۴: ۵۰) در اقدامی همسو با ایجاد حقوق کیفری فناورمدارانه و همچنین تقویت وصف بازدارندگی ضمانت اجراهای کیفری، اخذی هسته‌ای را به صورت خاص در دو حوزه اعمال تروریستی و غیر تروریستی جرم‌انگاری کرده است. بر این اساس، همگام با بررسی هریک از ابعاد جرم اخذی هسته‌ای، ضمانت اجراهای کیفری مربوط به آن نیز با فرض تروریستی و غیر تروریستی بودن آن، تحلیل و ارزیابی می‌شوند.

۴-۱. اخذی و اخذ به زور و عنف هسته‌ای در ابعاد غیر تروریستی

در این خصوص با کاوشی که در مقررات انگلستان و ویلز صورت پذیرفت

۱. طبق ماده یادشده: هرکس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن کند، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود: الف. در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار؛ ب. در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است به حبس تعزیری درجه پنج؛ پ. در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش ...».

مشخص شد قانون (جرائم) مربوط به مواد هسته‌ای^۱ [که به وسیله قانون عدالت کیفری و مهاجرت سال ۲۰۰۸^۲ مشمول اصلاحات اساسی قرار گرفته است] رکن قانون جرم اخاذی هسته‌ای را (در غیر از موارد تروریستی) در نظام کیفری انگلستان و ویلز تشکیل می‌دهد. با این ترتیب، در گام نخست از بررسی قانون (جرائم) مربوط به مواد هسته‌ای ۱۹۸۳ شروع می‌شود.

۴-۱-۱. قانون (جرائم) مربوط به مواد هسته‌ای

قانون‌گذار انگلستان و ویلز برای نخستین بار در قانون (جرائم) مربوط به مواد هسته‌ای ۱۹۸۳ به بزه اخاذی و اخذ زور و عنف هسته‌ای، وصف تقنینی اعطا کرد. در این ارتباط، قسمت ۱ از ماده ۱ قانون مذکور که از عنوان «دامنه توسعه‌یافته جرائم معین»^۳ برخوردار است، چنین مرقوم داشته است: «چنانچه شخصی با هر تابعیتی، در خارج از بریتانیا در ارتباط با و یا به وسیله مواد هسته‌ای هر عملی را انجام دهد که اگر آن عمل را در هر قسمت / منطقه بریتانیا انجام داده بود، در آن منطقه از بریتانیا مقصر است به عنوان»^۴

ت. ... جرم کلاهبرداری یا اخذ به زور و عنف یا جرائم موجود به موجب مواد ۱۵ یا ۲۱ قانون سرقت ۱۹۶۸^۵ و یا مواد ۱۵ یا ۲۰ قانون سرقت (ایرلند شمالی) ۱۹۶۹^۶. همان‌طور که در بالا ملاحظه می‌شود، قانون‌گذار انگلیسی و ویلزی در بند «ت» به

1. Nuclear Material (Offences) Act 1983.

2. Criminal Justice and Immigration Act. To see this act, refer to the following link: <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2008/4/part/5/crossheading/offences-relating-to-nuclear-material-and-nuclear-facilities>.

3. Extended scope of certain offences.

4. " (1) If a person, whatever his nationality, does outside the United Kingdom, in relation to or by means of nuclear material, any act which, had he done it in any part of the United Kingdom, would have made him guilty of—

...d. the offence of fraud or extortion or an offence under section 15 or 21 of the Theft Act 1968 or section 15 or 20 of the Theft Act (Northern Ireland) 1969. "

5. Theft Act 1969. In order to see this act, refer to the following link: <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/1968/60/contents> (Accessed: January 26, 2020)

6. Theft Act (Northern Ireland) 1969. In order to see this act, refer to the following link: <https://www.legislation.gov.uk/apni/1969/16/contents> (Accessed: January 26, 2020)

رفتار بزهکارانه اخذ به زور و عنف تصریح کرده است. افزون بر آن، از آنجا که مواد ۲۱ قانون سرقت مصوب ۱۹۶۸ و ۲۰ قانون سرقت (ایرلند شمالی) ۱۹۶۹ اختصاص به جرم اخذی دارند، بنابراین به موجب بند «ت»، جرم اخذی نیز مدنظر قرار گرفته است. بر این اساس، چنانچه جرم اخیر در ارتباط با و یا به وسیله مواد هسته‌ای ارتکاب یابد، در لوای یکی از جرائم مورد نظر در قانون (جرائم) مربوط به مواد هسته‌ای ۱۹۸۳ قرار می‌گیرد. به عبارتی روشن‌تر، بند «ت» در مقام احصای جرائم کلاه‌برداری، اخذ به زور و عنف و اخذی است که در ارتباط با و یا به وسیله مواد هسته‌ای ارتکاب می‌یابد. در ضمن باید متذکر شد، ارتکاب جرائم اخیر، خواه در داخل خواه در خارج از بریتانیا، قابل پیگرد و مستوجب کیفر دانسته شده است. در این خصوص، قانون‌گذار انگلستان و ویلز، صلاحیت جهانی^۱ را در رسیدگی به جرائم مرتبط با مواد هسته‌ای از جمله اخذی هسته‌ای اتخاذ کرده است (Townshend, 2012: 1-4).

۴-۱-۲. قانون عدالت کیفری و مهاجرت مصوب ۲۰۰۸

کنشگران تقنینی انگلستان و ویلز با احتساب اصلاحاتی که در کنوانسیون حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای در سال ۲۰۰۵ صورت پذیرفت، ایجاد تغییرات لازم در قانون (جرائم) مربوط به مواد هسته‌ای ۱۹۸۳ را در دستور کار قرار دادند. به این ترتیب، در فهرست ۱۷ و ماده ۷۵ قانون عدالت کیفری و مهاجرت مصوب ۲۰۰۸ به تبیین رفتارهای مجرمانه در خصوص محافظت از مواد و تأسیسات هسته‌ای مبادرت شد (Justice, 2008: 83).

در این راستا، ماده ۷۵ قانون عدالت کیفری و مهاجرت ۲۰۰۸ چنین مرقوم داشته است: «قسمت نخست از فهرست ۱۷ [این قانون] (جرائم) مربوط به مواد هسته‌ای مصوب ۱۹۸۳ را اصلاح می‌کند تا به وجود آورد:

الف. جرائم دیگری را در ارتباط با حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای؛ و

1. Universal jurisdiction.

2. In order to see the amendments, refer to the following link:

www.un.org/en/sc/ctc/docs/conventions/Conv6amd.pdf (Accessed: January 26, 2020)

ب. جرائم مربوط به حفاظت فیزیکی از تأسیسات هسته‌ای؛
و اصلاحات دیگری برای آن قانون.^۱

قانون‌گذار انگلیسی و ویلزی در اصلاحیه یادشده، ارتکاب جرائم ناقص و فرعی^۲ مربوط به رفتار اخاذی هسته‌ای را برای نخستین بار در کانون توجه قرار داده است. در این خصوص، وفق بند ۲ از ماده ۲ الف ماده ۷۵ قانون عدالت کیفری و مهاجرت ۲۰۰۸، جرم‌انگاری اعمال زیر مدنظر قرار گرفته است:

الف. شروع به ارتکاب جرم هسته‌ای؛

ب. تبانی جهت ارتکاب جرم هسته‌ای؛

پ. تحریک جهت ارتکاب جرم هسته‌ای؛

ت. مساعدت، ترغیب، مشاوره و تسهیل ارتکاب جرم هسته‌ای.^۳

در ادامه، قانون‌گذار انگلیسی و ویلزی برای تعریف جرم اخاذی به عنوان یکی از جرائم هسته‌ای مقرر داشته است که اخاذی دایر بر اعمال ذیل است:

الف. جرم به موجب ماده ۲۱ قانون سرقت مصوب ۱۹۶۸؛

ب. جرم به موجب ماده ۲۰ قانون سرقت مصوب ۱۹۶۹ (ایرلند شمالی)؛ یا

پ. جرم اخذ به زور و عنف.^۴

بر این اساس، جهت آشنایی با جرم اخاذی هسته‌ای یا اخاذی که در ارتباط و یا به وسیله مواد هسته‌ای انجام می‌شود، شناسایی هریک از جرائم مذکور در بندهای

1. "(1). Part 1 of Schedule 17 amends the Nuclear Material (Offences) Act 1983 (c. 18) to create—

(a) further offences relating to the physical protection of nuclear material, and

(b) offences relating to the physical protection of nuclear facilities,

and makes other amendments to that Act."

2. Inchoate and secondary offences.

3. "(a) attempting to commit a nuclear offence;

(b) conspiring to commit a nuclear offence;

(c) inciting the commission of a nuclear offence;

(d) aiding, abetting, counselling or procuring the commission of a nuclear offence."

4. "In subsection (3) "a blackmail offence" means—

(a) an offence under section 21 of the Theft Act 1968,

(b) an offence under section 20 of the Theft Act (Northern Ireland) 1969, or

(c) an offence of extortion."

سه گانه بالا ضروری جلوه می‌کند. از این رو، ابتدا از جرم اخاذی موضوع ماده ۲۱ قانون سرقت مصوب ۱۹۶۸ و ۲۰ سرقت ۱۹۶۹ (ایرلند شمالی) شروع می‌شود.

- جرم اخاذی

جرائم موجود در مواد ۲۱ و ۲۰ قوانین سرقت مصوب ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹ یکی بوده و تنها موضوعی که باعث می‌شود آن‌ها در دو قانون همنام ولی جدا ذکر شوند آن است که اولی، در حوزه قضایی انگلستان و ویلز و دومی، در حوزه قضایی ایرلند شمالی جریان می‌یابد. به این ترتیب، طی این قسمت، تنها به بررسی ماده ۲۱ قانون سرقت ۱۹۶۸ پرداخته می‌شود. در این خصوص، بنا به قسمت اول از ماده ۲۱ از قانون مذکور: «فردی به عنوان جرم اخاذی مقصر است اگر با قصد کسب منفعت برای خود و یا دیگری و یا با قصد ایراد خسارت به فرد دیگری، تقاضای غیرمجاز توأم با تهدیدی را مطرح کند؛ به این منظور، تقاضا غیرمجاز شناخته می‌شود مگر در صورتی که فردی که آن تقاضا را مطرح کرده معتقد باشد که:

الف. او دلایل معقولی به منظور طرح چنین تقاضایی داشته است؛ و

ب. استفاده از تهدید، ابزار مناسبی جهت اجابت تقاضا به شمار می‌آید»^۱.

با این اوصاف، اگر شخصی با اعتقاد به آنچه در بندهای «الف» و «ب» آمده است، تقاضایی را توأم با تهدید مطرح کند، آن درخواست به عنوان تقاضای غیرمجاز که یکی از پایه‌های رکن مادی جرم اخاذی را تشکیل می‌دهد، شناسایی نخواهد شد.

در قسمت دوم ماده ۲۱ قانون سرقت نیز آمده است: «ماهیت فعل و یا ترک فعل بودن مورد تقاضا بی‌اهمیت است و همچنین این‌که تهدید به وسیله فردی صورت پذیرد که مبادرت به طرح تقاضا کرده یا دیگری، از اهمیتی برخوردار نیست». در

1. "(1) A person is guilty of blackmail if, with a view to gain for himself or another or with intent to cause loss to another, he makes any unwarranted demand with menaces; and for this purpose a demand with menaces is unwarranted unless the person making it does so in the belief—

(a) that he has reasonable grounds for making the demand; and

(b) that the use of the menaces is a proper means of reinforcing the demand."

ضمن، طبق بند ۳ ماده ۲۱ قانون پیش گفته: «فرد مرتکب جرم اخاذی به عنوان یک جرم قابل کیفرخواست به مجازات حبس که متجاوز از ۱۴ سال نیست، محکوم می‌شود». با عنایت به آنچه در مواد ۲۱ و ۲۰ قوانین سرقت مصوب ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹ (ایرلند شمالی) تصریح شده است، ارکان تشکیل دهنده بزه اخاذی متشکل از موارد ذیل است:

الف. ایجاد درخواست غیرمجاز: ^۱ لازمه ایجاد درخواست غیرمجاز آن است که فعل یا ترک فعلی از قربانی تقاضا شود؛ درخواست می‌تواند به صورت شفاهی و یا کتبی انجام شود. با این حال، گاهی اوقات درخواست نه به نحو کتبی و نه به صورت شفاهی و بلکه از روی رفتار مرتکب آن هم با توجه به شرایط و اوضاع و احوال معین می‌شود (Phillips, Walsh, and Dobson, 2001: 225).

پرواضح است که هر تقاضایی نمی‌تواند در لوای درخواست غیرمجاز برای ارتکاب بزه اخاذی قرار گیرد؛ به طور نمونه، درخواست پرداخت بدهی و تهدید کردن فرد بدهکار به پیگیری حقوقی در صورت عدم اجابت درخواست، نمی‌تواند به عنوان یک تقاضای غیرمجاز و جرم اخاذی قلمداد شود (Brookman & et al, 2010, 394).

ب. استفاده از تهدید: ^۲ صرف درخواست غیرمجاز منجر به آن نمی‌شود که جرم اخاذی شکل بگیرد بلکه درخواست موصوف باید همراه با تهدید صورت پذیرد. مقصود از تهدید، هر نوع رفتار مضر و ناگوار نسبت به مخاطب است؛ بنا به این تعریف، تهدید تنها در لوای ارباب افراد به اعمال خشونت فیزیکی و خسارت به اموال مطمح نظر قرار نگرفته است بلکه ترساندن مخاطب به موضوعات ناگوار (از قبیل افشای اطلاعات محرمانه) نیز می‌تواند منجر به تهدید شود. در ضمن، ایجاد درخواست غیرمجاز و استفاده از تهدید دو پایه اساسی مربوط به رکن مادی رفتار مجرمانه اخاذی به حساب می‌آیند (Child, Child, and Ormerod, 2015, 367-368).

با این همه جرم اخاذی به عنوان یک جرم مطلق به شمار می‌آید؛ بنابراین همین که درخواست توأم با تهدید شکل گرفت، جرم منظور پدید می‌آید فارغ از آن که مالی

1. Unwarranted demand.
2. Menace.

منتقل شود یا خیر (Ormerod, Child, and Child 2015, 1066).

ب. قصد کسب منفعت برای خود یا دیگری و یا قصد ورود خسارت به دیگری^۱: یکی دیگر از ارکان جرم اخاذی آن است که رفتار مرتکب با قصد کسب منفعت برای خود یا دیگری و یا قصد ورود خسارت به دیگری انجام شود. در ضمن، موضوع منفعت یا ضرر باید مشتمل بر پول یا سایر اموال باشد (Martin and Storey, 2013: 479). بر این اساس، قصد ایجاد درخواست غیرمجاز به عنوان سوءنیت عام و قصد کسب منفعت برای خود یا دیگری و یا قصد ورود خسارت به دیگری سوءنیت خاص جرم اخاذی را تشکیل می‌دهد.

- جرم اخذ به زور و عنف

یکی دیگر از رفتارهای تشکیل دهنده بزه اخاذی هسته‌ای وفق قانون (جرائم) مربوط به مواد هسته‌ای (اصلاحی ۲۰۰۸) اخذ به زور و عنف است. در این خصوص، اخذ به زور و عنف یک مفهوم کلی است که به هر آنچه از طریق اجبار^۲ به دست آید اطلاق می‌شود (Rivlin, 2015: 404)؛ بنابراین وسیله ارتکاب جرم اخذ به زور و عنف، تنها منصرف به تهدید نیست بلکه دایره اعمالی را در برمی‌گیرد که بدون رضایت قربانی انجام می‌شود.

با کاوش در نظام کیفری انگلستان و ویلز ملاحظه می‌شود که عنوان مجرمانه اخذ به زور و عنف به طور مستقل مقرر نشده است. به عبارتی روشن‌تر، در نظام کیفری مذکور، جرم خاصی با عنوان اخذ به زور و عنف تعریف نشده است که همین موضوع نیز یکی از چالش‌های مهم فراروی محققان را در تحلیل و ارزیابی چنین رفتاری تشکیل می‌دهد (Bonino, 2016: 325). با عنایت به چنین نگرشی نسبت به جرم اخذ به زور و عنف باید خاطر نشان کرد، رفتار بزهکارانه مذکور تنها به یک عنوان مجرمانه خاص منصرف نمی‌شود بلکه با توجه به قصد مرتکب، رفتارهای بزهکارانه متعددی را

1. With a view to gain for himself or another or with intent to cause loss to another.
2. it involves obtaining something through coercion.

می‌تواند در ذیل عنوان کلی خود جمع کند.

به این ترتیب، چنانچه اخذ به زور و عنف در ارتباط و یا به وسیله مواد هسته‌ای ارتکاب یابد، در آن صورت یکی از رفتارهای تشکیل‌دهنده جرم اخاذی هسته‌ای^۱ به وقوع پیوسته است.

۴-۲. اخاذی هسته‌ای در ابعاد تروریستی

توسعه مقررات انگلستان و ویلز در زمینه مقابله با اعمال تروریستی به دنبال حمله هفتم جولای سال ۲۰۰۵ که در اثنای آن تروریست‌ها اقدام به بمب‌گذاری‌های متعدد در وسایل نقلیه عمومی کردند به تکامل رسید. در این خصوص استفاده از مجازات خشن‌تر^۲ و توسعه صلاحیت قضایی در زمره تحولات قانون یادشده به شمار می‌آیند (Walker, 2015: 551-552).

قانون‌گذار انگلستان و ویلز در راستای مقابله با اعمال تروریستی، اخاذی هسته‌ای را در شرایطی به عنوان یک عمل تروریستی منظور کرده است. به این مناسبت، بند ۱ ماده ۱۱ قانون تروریسم مصوب ۲۰۰۶^۳ چنین اشعار داشته است: ۱. شخصی مرتکب جرم می‌شود، چنانچه در حین یا در ارتباط با انجام عمل تروریستی یا با اهداف تروریستی:

الف. تقاضایی را مطرح کند:

الف-۱. جهت تأمین مواد یا وسایل رادیواکتیو برای خود یا دیگری؛

الف-۲. جهت در دسترس قرار دادن تجهیزات هسته‌ای برای خود یا دیگری؛ یا

الف-۳. برای دستیابی به چنین تجهیزاتی که به خودش یا دیگری اعطاء شود؛

ب. او تقاضا را حمایت می‌کند یا تهدید به این‌که چنانچه تقاضا اجابت نشود، او

یا دیگری اقداماتی را انجام خواهند داد؛ و

پ. شرایط و روش تهدید به صورتی است که برای شخص تهدیدشونده، معقول

1. Blackmail in a nuclear context.

2. Harsher penalties.

3. The terrorism act. To see this act, refer to the following link:
<https://www.legislation.gov.uk/ukpga/2006/11/contents>

است که باور کند خطر واقعی وجود دارد مبنی بر این که چنانچه تقاضا اجابت نشود، تهدید عملی می‌شود»^۱.

قانون‌گذار انگلیسی و ویلزی در بند سوم ماده ۱۱ قانون تروریسم به موضوع تهدید اشاره کرده است و در واقع، دامنه شمول آن را به دقت احصاء کرده است. بر این اساس، موضوع تهدید عبارت است از:

الف. تهدید به استفاده از مواد رادیواکتیو؛

ب. تهدید به استفاده از وسایل رادیواکتیو؛ یا

پ. تهدید به استفاده یا ایراد خسارت به تجهیزات هسته‌ای به صورتی که موجب آزادسازی مواد رادیواکتیو یا ایجاد یا افزایش خطر مبنی بر این‌که چنین موادی آزاد خواهند شد»^۲.

اگرچه در قانون تروریسم ۲۰۰۶، به عنوان اخاذی تصریحی صورت پذیرفته است اما یکی از اعمال تروریستی معطوف به موردی شده است که مرتکب با اتکا به قدرت تخریبگر هسته‌ای تهدیدی را مطرح ساخته و به ازای این تهدید نیز تقاضایی را جهت تأمین و دسترسی به مواد، وسایل و تجهیزات هسته‌ای مطرح می‌کند. البته اعمال صورت پذیرفته تنها زمانی در لوای یک جرم تروریستی به شمار می‌آید که در حین و یا در ارتباط با اعمال تروریستی و یا با اهداف تروریستی صورت پذیرفته باشد.

1. "(1) A person commits an offence if, in the course of or in connection with the commission of an act of terrorism or for the purposes of terrorism—

(a) he makes a demand—

(i) for the supply to himself or to another of a radioactive device or of radioactive material;

(ii) for a nuclear facility to be made available to himself or to another; or

(iii) for access to such a facility to be given to himself or to another;

(b) he supports the demand with a threat that he or another will take action if the demand is not met; and

(c) the circumstances and manner of the threat are such that it is reasonable for the person to whom it is made to assume that there is real risk that the threat will be carried out if the demand is not met."

2. "A threat falls within this subsection if it is—

(a) a threat to use radioactive material;

(b) a threat to use a radioactive device; or

(c) a threat to use or damage a nuclear facility in a manner that releases radioactive material or creates or increases a risk that such material will be released."

دقت و تأمل در تبیین دامنه موضوعی و همچنین هدف اخاذی هسته‌ای نشان‌دهنده رویکرد دقیق و منسجمی است که از ناحیه کنشگران قانون‌گذاری انگلستان و ویلز در قانون تروریسم به کار گرفته شده است. چنین رویکردی می‌تواند کیفیت حقوق کیفری^۱ را ارتقا دهد، زیرا به جای استفاده از واژه‌ها و عبارات‌های ابهام‌آمیز، قلمروی اعمال بزهکارانه در کمال دقت احصاء و ذکر شده است.

۳-۴. ضمانت اجرای کیفری ناظر بر اخاذی هسته‌ای (تروریستی و غیر تروریستی)

کنشگران نظام تقنینی انگلستان و ویلز در ترسیم ضمانت اجرای کیفری ناظر بر رفتار اخاذی هسته‌ای، سیاست تشدید مجازات را به طور نسبی در دستور کار قرار داده‌اند. در واقع، راهبرد تشدیدگرایانه در نتیجه اصلاحات سال ۲۰۰۸ با عنوان «افزایش مجازات جرائم ارتكابی مرتبط با مواد هسته‌ای و غیره»^۲ مدنظر قرار گرفت.

در این راستا، تمامی ضمانت‌اجراهای کیفری که در خصوص رفتار اخاذی هسته‌ای و یا جرائم مرتبط با آن انشا شده به صورت زیر تبیین و کاوش می‌شود:

الف. ارتكاب اخاذی و اخذ به زور و عنف هسته‌ای: در این رابطه، برحسب بند ۸ از ماده ۲ قانون (جرائم) مربوط به مواد هسته‌ای (اصلاحی سال ۲۰۰۸) چنانچه مرتکب اخذ به زور و عنف، رفتار یادشده را در قلمروی انگلستان و ویلز و ایرلند شمالی انجام دهد و البته این اعمال در ارتباط و یا به وسیله مواد هسته‌ای صورت پذیرد به عنوان یک جرم قابل کیفرخواست به مجازات حبس ابد^۳ محکوم می‌شود (Hooper, Ormerod, and Atkinson, 2011, 638).

ب. اخاذی هسته‌ای به عنوان یک عمل تروریستی: مقنن در بند ۴ ماده ۱۱ قانون تروریسم سال ۲۰۰۶، ضمانت اجرای کیفری شدیدی را برای ارتكاب رفتار مورد بحث مقرر کرده است؛ بدین‌صورت، اگر شخصی تهدیدی دایر بر دستیابی به مواد و وسایل هسته‌ای مطرح سازد، به عنوان یک جرم قابل کیفرخواست به کیفر حبس ابد محکوم

1. The Quality of criminal law.

2. Increase in penalties for offences committed in relation to nuclear material etc.

3. Imprisonment for life.

می‌شود.

با این همه در مقام ارزیابی کیفرهای یادشده گفتنی است، در تعیین نوع و میزان مجازات مربوط به اخاذی هسته‌ای، آثار و پیامدهای سوء مترتب بر اعمال مذکور در کانون توجه قرار گرفته است. از این رو، برای ارتکاب اعمال موصوف، شدیدترین مجازات موجود در نظام کیفری انگلستان و ویلز یعنی حبس ابد مقرر شده است.

نتیجه‌گیری

با لحاظ بررسی‌هایی که در جستار حاضر صورت پذیرفت استنباط می‌شود، اخاذی هسته‌ای به طور مناسب مورد نظر سیاست‌گذاران کیفری ایران قرار نگرفته است. در حقیقت، با وجود آن‌که ایران یکی از کنشگران در زمینه بهره‌برداری از فناوری هسته‌ای در دنیا به حساب می‌آید هنوز نتوانسته است حقوق کیفری خود را به‌ویژه در حوزه مقابله با اخاذی هسته‌ای روزآمد و متناسب سازد.

در این خصوص، هم‌پوشانی اعمال اخاذی هسته‌ای با مواد ۶۶۹ و ۶۱۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ از آسیب‌ها و چالش‌های مهمی برخوردار است. بر این اساس، هرچند اطلاقی که در رفتار مادی جرائم موجود در مواد قانونی پیش‌گفته به کار رفته است، تهدید به استفاده از قدرت تخریبگر هسته‌ای و یا تهدید به وسایل انفجاری هسته‌ای را در برمی‌گیرد اما این موضوع باعث نمی‌شود تا از آسیب‌های و نارسایی‌های مترتب بر آن چشم‌پوشی به عمل آید، زیرا نخست، ضمانت اجراهای موجود هیچ تناسبی با آثار و پیامدهای ناظر بر رفتار اخاذی هسته‌ای ندارند؛ دوم، قربانی جرم در ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ افراد است و حال آن‌که مخاطب اخاذی هسته‌ای، اشخاص حقیقی و حقوقی از جمله افراد از جمله نهادها و سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی هستند؛ سوم، وصف مرتکب جرم اشخاص حقوقی را در قلمروی خود قرار نمی‌دهد؛ چهارم، در هیچ‌کدام از مواد یادشده به اخاذی هسته‌ای به عنوان یک مصداق از اعمال تروریستی توجه نشده است.

در سوی مقابل، کنشگران نظام کیفری انگلستان و ویلز از سال ۱۹۸۳ و با تصویب

قانون (جرائم) مربوط به مواد هسته‌ای، اخذی هسته‌ای را به سیاهه جرائم وارد کردند. در طی مسیر به روز رسانی این مقرر، در سال ۲۰۰۸ و با وضع قانون عدالت کیفری و مهاجرت گام‌های محکمی را در مسیر تمکین از آموزه‌های اسناد بین‌المللی و البته اقتدار بخشی بیشتر به مبارزه با جرائم هسته‌ای برداشت. از این رو، علاوه بر آن‌که راهبرد تشدید مجازات در حوزه ارتکاب جرم اخذی هسته‌ای در دستور کار قرار گرفت، جرم‌انگاری‌های نوینی نیز در راستای ارتکاب جرائم ناقص و فرعی هسته‌ای از جمله اخذی هسته‌ای صورت پذیرفت.

از طرف دیگر، احتساب مصداقی از اخذی هسته‌ای در قانون تروریسم سال ۲۰۰۶ نشانگر آن است که ابعاد تروریستی ناظر بر اخذی هسته‌ای نیز در کانون توجه قرار گرفته است و در تناسب با آن، ضمانت اجرای کیفری شدیدی نیز وضع شد.

با این همه در پایان این بحث باید اذعان کرد، مقابله کیفری با جرائمی مثل اخذی هسته‌ای که در بستر فناوری متولد می‌شوند مستلزم بهره‌گیری از خوانش تخصصی در حوزه حقوق کیفری است. از این رو، اگرچه اخذی هسته‌ای شکلی از رفتار کلی اخذی را متجلی می‌سازد ولی به خاطر آثار مخربی که در عرصه آسایش و امنیت همگانی به دنبال دارد نیازمند برخورد افتراقی و ترسیم ضمانت اجرای متناسب با آن است.

به عبارتی روشن‌تر، اگرچه باید تا حد امکان از تورم عناوین بزهکارانه جلوگیری به عمل آورد اما در خصوص اخذی هسته‌ای که امنیت جامعه را در مقیاس وسیع سیبل قرار می‌دهد نمی‌توان به جرائم کلی ناظر بر اخذی که بیشتر حقوق مالکانه را آماج قرار می‌دهد، بسنده کرد؛ بنابراین لازم است همگام با تعریف قانونی آن، ضمانت اجرای متناسبی نیز در راستای بازدارندگی از آن پیش‌بینی شود. از طرف دیگر، تأمل و چاره‌اندیشی در مورد ارتکاب رفتار اخذی هسته‌ای به عنوان یک عمل تروریستی نیز باید در کانون توجه قرار گیرد. بر این اساس، می‌توان با اضافه کردن اخذی هسته‌ای در قالب یک ماده قانونی، آسیب‌ها و چالش‌های کنونی را رفع کرد. از این رو، ترسیم ماده یادشده به صورت زیر پیشنهاد می‌شود:

هرگونه درخواست غیرقانونی با توسل به تهدید مؤثر اشخاص مبنی بر استفاده از قدرت تخریب‌گر انرژی هسته‌ای، جرم به شمار آمده و مرتکب برحسب نوع و کیفیات تهدید^۱ به مجازات حبس درجه یک تا سه تعزیری محکوم می‌شود.

تبصره (۱)- تهدید در صورتی مؤثر شناخته می‌شود که اوضاع و احوال موجود حاکی از عملیاتی شدن آن داشته باشد؛

تبصره (۲)- در صورتی که تهدید با قصد انجام اعمال تروریستی یا در ارتباط با آن صورت پذیرد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود».

منابع

الف. فارسی

اعتمادی، امیر (۱۳۹۶) حقوق کیفری اختصاصی تطبیقی، تهاجم علیه اشخاص، تهران: نشر میزان، چاپ اول.

پوربافرانی، حسن (۱۳۹۱) «تحلیل جرم محاربه»، نشریه فقه و حقوق اسلامی، شماره ۴، صص ۴۹-۷۸.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸) مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: نشر کتابخانه گنج دانش، جلد اول، چاپ اول.

حاجی ده‌آبادی، احمد و اعتمادی، امیر (۱۳۹۴) «اخاذی در حقوق کیفری ایران و انگلستان»، نشریه مطالعات حقوقی، شماره ۴، صص ۳۱-۵۶.

رحیمی، محمدمهدی و دیگران (۱۳۹۷) «جرم تهدید در حقوق کیفری ایران و آمریکا»، نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۲ (پیاپی ۳۶)، صص ۷۵-

۱۰۸.

۱. در راستای انشای شفاف متون قانون‌گذاری توصیه می‌شود تا به صراحت معین شود که تهدید به استفاده از مواد یا وسایل هسته‌ای در چه ابعادی منجر به مجازات حبس تعزیری درجه یک تا سه می‌شود. بدین ترتیب توصیه می‌شود تا بر اساس گستره تهدید، میزان و نوع مواد و یا وسایل هسته‌ای مورد تهدید و همچنین کیفیت تقاضای غیرمجاز، مجازات دچار شدت و ضعف شود.

عمید، حسن (۱۳۸۹) **فرهنگ فارسی**، تهران: انتشارات راه رشد، چاپ اول.
فروتین، مصطفی و محمودی، محمد (۱۳۹۷) «بررسی وجودی اخاذی در حقوق کیفری ایران: ضرورت با عدم ضرورت جرم انگاری خاص»، **نشریه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه**، شماره ۱، صص ۲۴-۳۲.

فرهنگ انگلیسی لانگمن (۱۳۹۰) ترجمه ابوالقاسم طلوع، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه، چاپ هفتم.

گرایلی، محمدباقر و حکاک زاده یزدی، محمدمهدی (۱۳۹۴) «تحلیل مبانی فقهی، حقوقی زورگیری»، **نشریه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق**، شماره ۳۱، صص ۵ - ۳۰.

گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۶) **محشای قانون مجازات اسلامی، با اصلاحات و الحاقات جدید**، تهران: انتشارات مجد، چاپ هفتم.

معین، محمد (۱۳۸۶) **فرهنگ فارسی**، تهران، انتشارات ادنا، جلد اول، چاپ چهارم.
میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۶) **جرائم علیه اشخاص، حقوق کیفری اختصاصی** (۱)، تهران: نشر میزان، چاپ بیست و سوم.

ب. انگلیسی

Ashworth, Andrew, and Jeremy, Horder (2013) **Principles of Criminal Law**, OUP Oxford.

Bonino, Stefano (2016) "Extortion in the United Kingdom." **Northumbria University Library**. 325-345.

Brookman & et al (2010) **Handbook on Crime**. Cullompton. Taylor & Francis.

Bunn, Matthew, and Anthony, Wier (2006) "Terrorist Nuclear Weapon Construction: How Difficult?" **The Annals of the American Academy of Political and Social Science** 607(1), pp. 133-149.

Child, John, John J. Child, and David Ormerod (2015) **Smith & Hogan's Essentials of Criminal Law**, Oxford University Press.

Curzon, Leslie Basil, and Paul Richards (2007) **The Longman Dictionary of Law**, London: Pearson Education.

ElBaradei, Mohamed (2003) "No Nuclear Blackmail." **Wall Street Journal**, 22, pp. 1-2.

- Elsenbroich, Corinna, and Jennifer Badham. (2016) "The Extortion Relationship: a Computational Analysis." **Journal of Artificial Societies and Social Simulation** 19(4), pp. 1-16.
- Emanuel, Steven L. (2007) **Criminal Law**, New York: Aspen.
- Francis, Brian Joseph and Peelo, Moira and Soothill, Keith. (2016) "Blackmail." It is available at: <https://eprints.lancs.ac.uk/view/year/2016.html> (Accessed: July 30, 2020)
- Friedman, Edward (1975) "Nuclear Blackmail and the End of the Korean War." **Modern China**, 1(1), pp. 75-91.
- Grimal, Francis (2013) **Threats of Force: International Law and Strategy**, New York: Routledge.
- Bettinson, Vanessa, and R. Ward (2008) **Criminal Justice and Immigration Act 2008: Chapter 4, Explanatory Notes**. London: Stationery Office.
- Knafla, Louis A., ed. (2002) **Crime, Gender, and Sexuality in Criminal Prosecutions**, London: Greenwood.
- Koelzer, Winfried (2005) **Glossary of Nuclear Terms**, Karlsruhe: Forschungszentrum Karlsruhe.
- Martin, Elizabeth A., and Jonathan Law, eds. (2002) **Oxford Dictionary of Law**. J. Law, EA Martin.-[Fifth Edition].-Oxford: Oxford University Press. 1-281.
- Lüsted, Marcia Amidon (2013) **Nuclear Energy**, Minneapolis: ABDO Publishing Company. Martin, Jacqueline, and Tony Storey (2013) **Unlocking Criminal Law**, London: Taylor & Francis.
- Ormerod, David, Child, John, John, and Child J. (2015) **Smith and Hogan's Criminal Law**, Oxford University Press.
- Hooper, Anthony, David C. Ormerod, and Duncan Atkinson. (2011) **Blackstone's Criminal Practice 2012** (book Only), OUP Oxford.
- Phillips, Edward, Charlotte Walsh, and Paul Dobson (2001) **Law Relating To Theft**, London: Taylor & Francis.
- Rivlin, Ram (2015) "Blackmail, Subjectivity and Culpability." **Canadian Journal of Law & Jurisprudence**, 28(2), pp. 399-424.
- Stoiber, Carlton, Alec Baer, Norbert Pelzer, and Wolfram Tonhauser (2003) **Handbook on Nuclear Law**, Vienna: International Atomic Energy Agency.
- Townshend, S. (2012) UK Amendment to the Law on Universal Jurisdiction: Prolonging the Road to Justice. 1-9.
- Walker, Clive (2015) Decennium 7/7: The United Kingdom Terrorist Attacks on July 7, 2005, and the Evolution of Anti-Terrorism Policies, Laws, and Practices (November 11, 2015). 2015,

Zeitschrift für Internationale Strafrechtsdogmatik - 545-555,
Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2792579>